

توهم کری خوانی!

فرخ حسینی
روزنامه‌نگار

داستان کری خوانی روزنامه‌سازان برای ایران و توهین آمیز خطاب کردن آن از سوی بعضی از رسانه‌ها و اهالی فوتبال ایران یک سوءتفاهم بوده و هست که گویا قرار نیست از بین برود. به نظر می‌رسد برای داغ نگه داشتن بازار کری خوانی بین دو تیم و ایجاد انگیزه در فضای تیم ملی و هواداری آن، همچنان به این تیترو به عنوان یک توهین یا یک کری نگاه می‌شود و ظاهراً انتظار دارند کارلوس کی‌روش برای همین تیترو مشت‌هایش را به سمت نیمکت انگلیس با خشم و غضب نشان دهد!

ماجرا به آهنگ معروف انگلیسی با نام it's raining man, halleluiah مربوط می‌شود و روزنامه‌سازان هم به جای raining man که مرد بارانی معنی می‌دهد از کلمه Iranian man یا مردان ایرانی استفاده کرد تا هم‌آوای شعر معروف انگلیسی باشد و نوعی بازی با کلمات بود، برای شعری که هیچ مضمون توهین آمیزی هم ندارد.

در واقع روزنامه‌سازان با آن تیترو خوشحالی خود را از گروه خوبی که نصیب تیم ملی انگلیس شده ابراز کرد و این فقط شامل ایران نمی‌شد. آنها از اینکه آمریکا و یکی از سه تیم ولز، اوکراین یا اسکاتلند در آن زمان قرار بود با سه شیرها همگروه شوند خوشحال بودند و البته که خوشحالی آنها هم منطقی به نظر می‌رسید. گرت ساوتگیت سرمربی انگلیس در اولین و شاید تنها صحبتی که در مورد تیم‌های همگروه انگلیس داشته از این گفت که ایران و آمریکا تیم‌هایی هستند که انگلیس کمتر فرصت بازی مقابل آنها را داشته و به همین دلیل با سبک بازی آنها آشنایی کمتری دارد. در کلام سرمربیان و بازیکنان حریفان ایران در جام جهانی تا اینجا نشانی از کری خوانی معمولی هم نبوده است. انگیزه‌های فراوانی برای کسب موفقیت در جام جهانی می‌توان در نظر گرفت که بسیار مهم‌تر و منطقی‌تر از انتقام از کری خوانی یا بی‌احترامی‌هایی است که در ذهن خودمان برای تیم ملی ساخته‌ایم!

جنگ روانی، از چوی کانگ تا ساوت گیت

سام ستارزاده
روزنامه‌نگار

یکی از حماسی‌ترین خاطراتی که کارلوس کی‌روش در دوره اول سرمربیگری‌اش در تیم ملی به جای گذاشت، در سنول و پیش از رویارویی سر نو شت ساو ایران و کره جنوبی در مقدماتی جام جهانی ۲۰۱۴ رقم خورد.

مجادله لفظی کی‌روش و چوی کانگ هی، سرمربی وقت چشم‌بادامی‌ها که سه سال بعد مربی سال آسیا نیز لقب گرفت، آتش ایران-کره به یادماندنی آن سال را از کنفرانس مطبوعاتی پیش از بازی افروخت. پیش از بازی اصلی در مستطیل سبز، چوی کانگ بازی روانی را با آرزوی صعود برای ازبکستان (به جای ایران) و اعلام نفرت از کشورمان آغاز کرد؛ اما این جمله «برای چوی کانگ پیراهن ازبکستان را می‌خرم» کی‌روش و از آن زیاتر، مشت‌های گره‌کرده وی در انتهای بازی بود

که در کنار گل خاطره‌انگیز رضا قوچان‌نژاد، در برگ تاریخ فوتبالمان ثبت شد. حتی اگر شما سی‌کیو را از لحاظ فنی قبول نداشته باشید و سبک بازی تیم‌هایش را نپسندید، به احتمال قوی وی را یک استاد ماهر در جنگ‌های روانی می‌دانید. ژوزه مورینیو جمله معروفی دارد که می‌گوید «وقتی من به کنفرانس مطبوعاتی پیش از یک بازی قدم می‌گذارم، احساس می‌کنم که آن بازی آغاز شده‌است». کارلوس کی‌روش از جنبه روانشناسی شباهت

زیادی به هموطن مشهور خود دارد و این توانایی خود را در مصاحبه‌هایش به‌عنوان سرمربی تیم ملی به‌نمایش گذاشته است. از این جهت که بعد روانی رویارویی یوزه‌های پاریس با انگلیس و آمریکا از بعد فنی آن نیز بیشتر می‌تواند باشد، کارلوس کی‌روش می‌تواند یک انتخاب مثبت و تأثیرگذار تلقی شود. واکنش دراگان اسکوچیچ به تیترو مشهور و طعنه‌آمیز روزنامه‌سازان را به یاد داریم. هر چند آن واکنش تا حدی سازنده بود، اما قابل مقایسه با انگیزه و اعتمادبه‌نفسی

که کی‌روش با تکیه بر شخصیت کاریزماتیکش در جنگ‌های روانی شدید به شاگردانش تزریق می‌کرد، نبود. اگر فرصت اندک تیم‌های ملی جهت آماده‌سازی برای جام جهانی را هم در نظر بگیریم، می‌توانیم قبول کنیم که ما در این مقطع و با توجه به رقابیمان، بیشتر از یک مغز متفکر تاکتیکی، به یک روانشناس فوتبالی نیاز داشتیم؛ کسی که پیش‌تر توانسته ملی‌پوشان را برای رقابت و پایاپای با اسپانیا و پرتغال بشوراند و خاطره چوی کانگ را برای ما بر جای بگذارد.

هنر هشتم روزگار با حس ناسیونالیستی

زندگی با رجزخوانی جذاب می‌شود

سعید زاهدیان
روزنامه‌نگار

فوتبال شبیه پینگ‌پنگ یا شطرنج نیست؛ فوتبال حتی شبیه والیبال و بسکتبال و دیگر رشته‌های ورزشی که گروهی هستند هم نیست. شاید از نظر شکل و شمایل، قوانین و رقابت دو گروه بر سر توپ با هدف گل زدن میان فوتبال و خیلی رشته‌ها شباهت باشد اما می‌گویند فوتبال وای تمام رشته‌هاست و بحث آن را باید از سایر ورزش‌ها جدا کرد. بی‌زینس فوتبال، گردش پول آن، نقل و انتقالات و بسیاری از موضوعات مشابه دیگر که زیر پوست فوتبال جریان دارد باعث شده تا خیلی‌ها این ورزش را از سایر رشته‌ها جدا کنند.

فوتبال، هنر هشتم روزگار ما، با هیجان‌ات، اتفاقات غیرمنتظره‌اش، بی‌عدالتی‌ها و صحنه‌های دراماتیک که گروهی را به گریه می‌اندازد و گروه مقابل را چنان متأثر می‌کند که اشک شوق بریزند، از سوی خیلی‌ها به «زندگی» تشبیه می‌شود. وقتی چیزی به زندگی شباهت دارد، نمی‌تواند روی خطی صاف و کم نوسان جلو برود. لحظات زندگی قابل پیش‌بینی نیست و کسی نمی‌تواند در مورد آینده پیشگویی کند؛ فوتبال هم درست تا همین اندازه غیرقابل پیش‌بینی است و بارها همه ما را در اوج ناامیدی امیدوار کرده یا وقتی که سرمست از شادی

به بردی شیرین فکر می‌کردیم، در لحظه‌ای که هیچکس فکرش را نمی‌کرد، غافلگیر شدیم. مثل گل مسی در جام جهانی ۲۰۱۴ یا پیروزی برابر مراکش در مسابقه‌ای که هر آن انتظار گل خوردن و باخت داشتیم و چشم‌مان به ساعت بود که از این مهلکه بگریزیم اما با گل به خودی مدافع مراکش بازی را بردیم.

در چنین فوتبالی، باید با آدم‌های آرام، آدم‌های منطقی، انسان‌های باغی و سرکش یا افراد دغل‌کار با انواع تفکرات سر و کله زد. تفاوت فوتبال با زندگی شاید اینجا باشد که برخلاف زندگی، افراد جنجالی و شلوغ، آدم‌های دغل‌کار، مردان مغرور که برای بردن گاهی از چهارچوب خارج می‌شوند، بیشتر و بیشتر مورد پسند مردم هستند.

وقتی در مورد بازیکنان حرف می‌زنیم، مارادونا نه فقط برای تکنیکش بلکه برای انتخاب ناپل، گل زدن با دست و بردن انگلیس با مکر و حیله به یک فوتبالیست جذاب تبدیل شد و نامش در تاریخ برای همیشه ماند.

در دایره مربیان، مورینیو از جمله مربیان متفاوت دنیاست که وقتی محروم می‌شود، با چرخ جمع‌آوری لباس‌های رختشویی خودش را به رختکن تیمش رساند تا بازیکنان تیمش را سورپرایز کند و نشان دهد که برای برد دست به چه اقدام‌هایی که نمی‌زند. طبیعی است که بازیکنان او برای بردن، از مربی خود الهام می‌گیرند و برای پیروزی با تمام

وجود می‌جنگند. اگر تمام مربیان دنیا شبیه امه ژاکه، اریکسن، ونگر، رانیری و آنچلوتی باشند، فوتبال یک بازی خنثی و بی‌هیجان می‌شود اما وقتی همین‌ها مقابل امثال مورینیو، گواردیولا، بیلسا، فرگوسن، یورگن کلوب، دیگو سیمونه و مائوریتسیو ساری قرار می‌گیرند، تقابل‌های جذاب و غیر منتظره آغاز می‌شود. از کری‌های قبل از بازی تا درگیری‌های لفظی کنار خط تا صحنه‌ای که مربیان و بازیکنان باهم دست به یقه می‌شوند.

جام جهانی یکی از بزرگترین فرصت‌ها برای خودنمایی چنین مربیانی است؛ از کی‌روش خودمان گرفته که بازیکنانش را برای جنگی تمام‌عیار تهییج می‌کند تا مردان آرامی نظیر هانسی فلیک آلمانی. این جام آمیخته با حس ناسیونالیستی، بهترین فرصت برای تقابل ستاره‌هاست و بهترین فرصت برای کری‌خوای و رجز خواندن‌های عجیب و غریب. کی‌روش در اولین مصاحبه‌اش جنگ روانی را با جمله «من خوشحالم با انگلیس همگروهیم» آغاز کرد. هرچه به جام ۲۰۲۲ نزدیک‌تر شویم، کری‌ها و اظهارنظرها داغ‌تر می‌شود و با آغاز تورنمنت، حالا نوبت بازیکنان است تا با مهارت‌های خود- از توانایی فنی تا رفتارهایی که بار روانی دارد- برای ملت خود بجنگند. تماشاگر جنگ حاشیه‌ها همیشه دیدن دارد.

نقطه برتری

هومن جعفری
روزنامه‌نگار ورزشی

سؤال اینجاست که کی‌روش و اسکوچیچ چه فرقی با هم دارند اگر قرار نباشد که تیم ملی، زمان کافی، اردوهای مناسب و حریفان تدارکاتی قدرتمند داشته باشد؟ پاسخ این سؤال این است که کارلوس کی‌روش سه فاکتور دارد که اسکوچیچ نداشت. اولی تجربه حضور در میادین بزرگ، اسکوچیچ هیچ وقت چنین میدانی را تجربه نکرده. کی‌روش دست‌کم دو بار با ایران به جام جهانی رفت. این غیر از تجارب سنگینش در منجستر و رئال بود که خودشان دانشگاهی به حساب می‌آیند. برند کی‌روش در قطر بسیار برای ما کار را اندازتر از برند اسکوچیچ خواهد بود. عامل دوم، اقتدار است. کی‌روش بلد است در تیم ملی اقتدار و نظم را حاکم کند. اسکوچیچ نتوانست یا نخواست یا نمی‌توانست! فرقی ندارد. کی‌روش می‌تواند بهترین‌ها را به جام جهانی نبرد و آب از آب تکان نخورد. در اگان نمی‌توانست چنین کند. اما سومین عامل، بحث جنگ روانی است. کی‌روش استاد جنگ روانی، دشمن تراشی، انگیزه دادن به بازیکنان خودی و عصبانی کردن تیم حریف است! او می‌تواند مقابل رقبای سرسخت ما، کمی شانس و اقبال داشته باشد تا لب خط، دعوایی راه بیندازد و جریان بازی را منحرف کند. او می‌داند چطور لب خط یک بحران درست کند. داور را تحت فشار قرار دهد و یا با بازیکن و مربی حریف مستقیماً صحبت کند و آتش احساسات و خشم آنها را برانگیزد. این اندازه را بلد است. در سطح خوبی هم بلد است و صد البته اینکه برند کی‌روش را همراه دارد. منظور؟ یعنی کی‌روش می‌تواند لب خط کاری را بکند که اگر اسکوچیچ انجام بدهد کارت قرمز را می‌گیرد، اما برای او فقط یک تذکره را در پی داشته باشد. هدف اصلی از آوردن کی‌روش، جنگ روانی است. تنها شانس کی‌روش در قطر ۲۰۲۲ داریم!

تک به تک

کری خوانی جالب حریفان ایران در ادوار جام جهانی

تو گمان مبر که پیشه خالیست!

باز هم رخ نداد اما تیم تحت هدایت سابه‌یا با وجود ستاره‌های مطرح دنیای فوتبال مانند مسی، دی‌ماریا و گونزالو هیگواین در ترکیب، برای کسب پیروزی مقابل یوزه‌های ایرانی تا آخرین دقیقه تحت فشار قرار داشت.

یورگن کلینزمن: بازی آلمان با ایران ارزشمند خواهد بود

یورگن کلینزمن، مهاجم تیم ملی فوتبال آلمان در جام جهانی ۱۹۹۸ فرانسه پیش از بازی با ایران درباره این مسابقه گفت: «به نظر من بازی ایران با آلمان ارزشمند خواهد بود». صحبتی که با توجه به تفاوت‌های آن زمان فوتبال ایران و آلمان کنایه‌ای بزرگ به تیم ملی فوتبال ایران بود. شاید علت بازی خوب ایران برابر آلمان با وجود شکست صحبت‌های کلینزمن بود.

فرناندو سانتوس: ایران با کی‌روش حریف سختی بود

فرناندو سانتوس، سرمربی تیم ملی پرتغال پس از تساوی تیمش برابر ایران در جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه درباره ایران گفت: «ایران با کی‌روش حریف سرسختی بود». ستایشی از سانتوس که به‌عنوان سرمربی تیم قهرمان یورو ۲۰۱۶ به جام جهانی صعود کرده بود، برای ایرانی‌ها خوشایند بود. البته یادمان نرود تیم ملی در مجموع در آن مسابقات عملکرد قابل قبولی داشت.

آلخاندرو سابه‌یا: بدترین اتفاق دنیا شکست مقابل ایران است

آلخاندرو سابه‌یا، سرمربی آلبی سلسسته در جام جهانی ۲۰۱۴ برزیل در خصوص بازی با تیم ملی کشورمان گفت: «بدترین اتفاق دنیا شکست مقابل ایران است». اتفاقی که اگر چه

سه شیرها با ایران نوشت: خدا را شکر با ایران همگروه شدیم! گفته‌ای که با واکنش کی‌روش همراه بود و او هم گفت خدا را شکر با انگلیس بازی می‌کنیم!

هروه رنار: ایران را جزو حریفان تیم حساب نمی‌کنم

هروه رنار، سرمربی فرانسوی مراکش در جام جهانی ۲۰۱۸ در واکنش به همگروهی با ایران می‌گوید: «ایران را جزو حریفانم حساب نمی‌کنم». گفته‌ای که همان زمان هم با واکنش‌های بسیاری از سوی ایرانیان همراه بود. شاید بتوان گفت انگیزه بازیکنان ایران با همین گفته افزایش یافت و منجر به کسب دومین پیروزی تیم ملی در تاریخ جام‌های جهانی پس از بازی مقابل آمریکا در سال ۱۹۹۸ شد.

گرگ برهالتز: ایران حریف متفاوتی برای ما است

گرگ برهالتز، سرمربی تیم ملی فوتبال آمریکا پس از اتمام مراسم قرعه‌کشی جام جهانی ۲۰۲۲ قطر درباره همگروهی تیمش با ایران می‌گوید: «ایران حریف متفاوتی برای ما است». صحبتی که به نظر می‌رسد محتاطانه و برای تزریق آرامش به تیمش گفته شده. حال باید منتظر ماند و دید دو تیم در جام جهانی قطر چه نتیجه‌ای می‌گیرند.

روزنامه‌ساز: خدا را شکر با ایران بازی می‌کنیم!

روزنامه‌ساز یکی از روزنامه‌های معتبر انگلیسی که بیشتر به خبرهای زرد و حاشیه‌ای توجه می‌کند، در شماره خودش پس از برگزاری مراسم قرعه‌کشی به کنایه از همگروهی

